

هشت مارس روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی

صفحه ۱۱



بحران حکومتی در اوکراین

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

طرح "هدفمند کردن یارانه ها" و بن بست حکومت

شهلا دانشفر

صفحه ۴

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۴۷

جمعه ۱۶ اسفند ۱۳۹۲، ۷ مارس ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

روز جهانی زن، روز بجانش کشیدن جمهوری اسلامی!

بحران اوکراین و کاریکاتوری از جنگ سرد!
"مساله فرهنگ" و احساس غربت خامنه ای!

صفحه ۷

علم، تکنولوژی و

چشم انداز حذف کار - ۴

عباس گویا

صفحه ۵

جنبش برای رهائی زن "فتنه" ای

است علیه حکومتها،

علیه جمهوری اسلامی و علیه

جریان‌ات اسلامی

مصاحبه با سیامک امجدی هماهنگ کننده فتنه .

جنبش برای رهائی زن

صفحه ۳

روز جهانی زن را گرامی بداریم!

جمعی از زندانیان زندانهای تبریز،

گوهردشت و اوین

صفحه ۸



بحران حکومتی در اوکراین

مصاحبه با حمید تقوایی

نان دار در دولت و غیره یک موضوع بحث همیشگی رسانه‌ها و توده مردم در اوکراین است. ورشکستگی اقتصادی دولت، بی‌تامینی اقتصادی توده مردم، ریختن توهمات نسبت به بازار آزاد و انقلاب نارنجی و نگرانی از شکل گرفتن یک دولت مافیائی نوع پوتین و غیره را نیز به این تصویر اضافه کنید تا زمینه‌های سیاسی و اجتماعی اعتراضات اخیر روشن شود.

انترناسیونال: ولی زمینه‌ها هر چه باشد در هر حال محور این اعتراضات پیوستن به اروپای واحد بود. در این مورد چه توضیحی دارید؟

حمید تقوایی: اشغال میدان با خواست پیوستن به اتحادیه اروپا شروع شد ولی این تنها محمل و شکل بروز اعتراضات بود. حرکت به سرعت از این خواست فراتر رفت و خواست برکناری دولت در محور اعتراض قرار گرفت. پیوستن به اروپای واحد نیز از دید مردم نه به عنوان راه حل اقتصادی و یا توهم به رفاه و خوشبختی در بازار آزاد سرمایه‌داری - آنطور که در انقلابات مخملی دهه نود شاهد بودیم - بلکه به معنی مخالفت با مدل مافیائی روسی و بقول یک متخصص در میدان استقلال، مخالفت با "پوتینزده شدن" اوکراین، مطرح بود. تا آنجا که به مساله بن بست و بحران اقتصادی در اوکراین مربوط می‌شود روسیه کمکهای مالی دست و دل‌بازی - ۱۵ میلیارد دلار در برابر ۸۰۰ میلیون دلار پیشنهادی اروپا - و با محدودیتهای کمتری نسبت به اتحادیه اروپا عرضه کرده است. اما مساله مردم، بر خلاف دارو دسته‌های مختلف حاکم، آینده سرمایه در اوکراین نیست. بعد از

حمله پلیس و تک‌تیراندازها بیش از هشتاد کشته بدهند و عقب‌نشینند، و بالاخره باعث سقوط دولت و فرار رئیس‌جمهور بشوند، و بعد هم دولت موقت ناگزیر شود بمیدان رجوع کند و اعتبارش را از مردم بگیرد، من آن تحول را انقلاب مینامم. اینکه احزاب و نیروهای راست و فاشیست و اولترا ناسیونالیست و بطور کلی دار و دسته‌های حاکم و دولتهای غربی و روسیه و غیره چگونه دخالت کردند و چه نقشی داشتند در خصلت و ماهیت این حرکت تغییر نیافته. هر قدر هم که نیروهای راست و فاشیست‌ها و غیره در میان مردم نفوذ داشته باشند این اعتراضات نه از سر دشمنیها و تمایزات قومی و مذهبی و نژادی بود و نه بخاطر دعوا و رقابت میان بالائیها. موضوع و علت و موتور این حرکت اعتراض توده مردم به ستوه آمده از الیگارش فاسد حاکم - در پوزیسیون و اپوزیسیون - بود.

مبلغ اختلاس یانوکویچ و خانواده اش را بین هشت تا ده میلیارد دلار برآورد میکنند (گزارش اکونومیست) و خانم تیموشنکو رهبر اپوزیسیون دولت ساقط شده که از زندان آزاد شد ولی در میدان تحویل نگرفتند، ثروتمندترین زن اوکراین است. او بنا به گزارش روزنامه گاردین ۲۰ درصد از کل ثروت کشور اوکراین را در دست دارد. ایشان هم این ثروت نجومی را از راه اختلاس و دزدی و روابط مافیائی در دوره حکومتش اندوخته است. و این را همه مردم اوکراین میدانند.

فساد دولتی تنها به دزدی این افراد محدود نمی‌شود. از رشوه خواریهای میلیاردری اعضای کابینه‌های مختلف در دو دهه اخیر تا خرید و فروش کرسی‌های مجلس و سرقتی پستهای آب و

انترناسیونال: موضوع این مصاحبه تحولات چند ماه اخیر در اوکراین و وضعیت امروز بحران در این کشور است. اما اجازه بدهید مصاحبه را با سئوالاتی در مورد یادداشتی که با عنوان "نود و نه درصدیها این بار در کی‌یف" در نشریه ژورنال روزانه نوشته اید شروع کنیم. بحث شما در این نوشته با تحلیل‌های متداول چه متفاوت است. نظر رایج اینست که بحران اوکراین حاصل اختلاف بین طرفداران روسیه و اروپای واحد است و مردم آلت دست این نیروها قرار گرفته‌اند. شما در نوشته تان این تحول را انقلاب مینامید. ممکن است در این مورد توضیح بدهید؟

حمید تقوایی: یادداشتی که در ژورنال چاپ شد نوشته کوتاهی با تمرکز بر این نکته بود که تحولات اوکراین نه ادامه انقلاب نارنجی و کلا انقلابات مخملی است و نه بازگشت به جنگ سرد بلکه اعتراضی است در چارچوب انقلابات و اعتراضات این دوره علیه دولتها و یک درصدیهای حاکم. این نکته محوری نوشته است. می‌توانید با این نکته موافق باشید و در عین حال تحولات اوکراین را انقلاب ندانید. در این صورت اختلاف ما بر سر نامگذاری تحولی است که در مضمون و زمینه‌های شکلگیری آن اتفاق نظر داریم.

اما اینکه چرا این تحول را انقلاب نامیدم دلیل بسادگی اینست: هر زمان در پایتخت یک کشور چند صد هزار نفر طبق آمار ویکی پدیا از چهارصد تا هشتصد هزار نفر در هفته اول دسامبر و پنجاه تا دویست هزار نفر در راهپیمائی‌ها - علیه دولت حاکم بخیبایان بیابند، میدان اصلی شهر را تصرف کنند، تحت

روزنامه یو.اس. تودی بعد از سقوط یانکویچ می‌نویسد نمادهای (آیکونهای) غرب نظیر تیموشنکو و کلیچکو "رهبران میدان" نیستند. این روزنامه مینویسد "برای بسیاری از مردم شخصیت‌های مورد حمایت غرب نباید جزئی از دولت تازه و بخصوص رئیس‌جمهور دولت انتقالی باشند." هفته نامه اکونومیست هم در مقاله‌ای همین نظر را مطرح میکند. بی‌اعتباری و رسوائی همه شخصیت‌ها و دار و دسته‌های الیگارش مالی حاکم در اوکراین چنان واضح و عیان است که حتی روزنامه‌های رسمی و محافظه کار غربی نیز به آن اعتراف میکنند.

و بالاخره نکته دیگر اهمیت جایگاه دسته بندی غربی - روسی در میان خود هیات حاکمه اوکراین است. به نظر من این تقسیم بندی ناشی از یک اختلاف استراتژیک و الگوهای مختلف اقتصادی بین جناح‌های حاکم نیست. اقتصاد اوکراین بیش از آن در اقتصاد روسیه اتکرها شده است که ادغام در اروپای واحد افق جذاب و امکان پذیری را در چشم انداز بورژوازی اوکراین قرار بدهد. اینجا دیگر بر خلاف دهه نود بحث بر سر انتخاب بین سیستم سرمایه داری دولتی ورشکسته و بازار آزاد غربی نیست. اوکراین و روسیه هر دو بیش از دو دهه است به بازار آزاد پیوسته‌اند و در هر دو کشور یک الیگارش مالی شکل گرفته که بازار آزاد را به ثروتهای نجومی خود و بیحقوقی مردم ترجمه کرده است. از سوی دیگر از نقطه نظر بورژوازی اروپای غربی نیز تعلق

فروپاشی شوروی و بیش از دو دهه تجربه سرمایه داری بازار آزاد نه تنها در اوکراین بلکه در کل اروپای شرقی توهمی به معجزات بازار آزاد نمانده است. از نقطه نظر مردم اوکراین خواست پیوستن به اروپای واحد تنها به معنی سلبی نه به الگوی روسی و سیستم نوع پوتین مطرح می‌شود و اهمیت پیدا میکنند. از یاد نبریم که مردم حکومت نمایندگان و طرفداران پیوستن به اروپای واحد - از جمله یولیا تیموشنکو - که با انقلاب نارنجی در ۲۰۰۴ روی کار آمدند را تجربه کرده‌اند. در ۲۰۰۴ هم اختلاف بین یانوکویچ و یوشچنکو بر سر نزدیکی با غرب و یا با روسیه بود و بالاخره خط غرب پیروز شد و بقدرت رسید. اما وضع اقتصادی نه تنها بهبودی پیدا نکرد بلکه بخصوص بعد از سقوط وال استریت در ۲۰۰۸ بمراتب وخیمتر شد و همین باعث شد تا در ۲۰۱۰ یانوکویچ بقدرت برسد. بقول یک تحلیلگر مارکسیست روسی، تاریخ دو دهه اخیر اوکراین تاریخ یک تانگوی سیاسی بین دار و دسته‌های پرو روس - پرو غرب بوده است. در مقطعی رقابت میان اینها حاد شده ولی مثل احزاب حاکم بورژوازی در هر جای دیگر دنیا، اپوزیسیون برانداز هم‌دیگر نیستند. همه شان وزیر و کیل و رئیس مجلس یکدیگر بوده‌اند و هم شان در دزدی و اختلاس و ارتشا و بی‌آبرویی و رسوائی یکدیگر شریکند. طبعاً نیروی اپوزیسیون تلاش میکند از نارضائی مردم به نفع خودش استفاده کند اما مردم توهمی به هیچکدام ندارند. همه این نیروها امتحان خودشان را پس داده‌اند و کاملاً در نزد مردم سوا و بی‌آبرو هستند.

جنبش برای رهائی زن "فتنه" ای است علیه حکومتها، علیه جمهوری اسلامی و علیه جریانات اسلامی

مصاحبه با سیامک امجدی هماهنگ کننده فتنه . جنبش برای رهائی زن



مدافع حقوق زن و آنتیست و سکولار در این کنفرانس سخنرانی می کنند.

انترناسیونال: جنبش رهائی زنان در ایران در چه وضعیتی است و فتنه چه وظایفی در این رابطه برای خود قائل است؟

سیامک امجدی: سی و پنج سال است که جمهوری اسلامی با حجاب اجباری، با جدایی جنسیتی در دانشگاهها، در محل کار و اماکن عمومی، با محدودیتهای تحصیلی و کاری، با سنگسار، با قوانین ضد زن اسلامی، با تحقیر و توهین روزمره به زنان، یک جنگ تمام عیار را علیه زنان به پیش می برد و این ارزشها، قوانین و سرکوب اسلامی ضد زن را بر جامعه تحمیل میکند.

علیرغم تمام تلاشهای که جمهوری اسلامی در جهت مرعوب کردن زنان و حذف آنان از صحنه اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد، مبارزه ای گسترده علیه تبعیض و نابرابری و برای رهائی زنان از قید قوانین اسلامی و حکومت اسلامی در ایران در جریان است.

"فتنه" - جنبش برای رهایی زن، تمام تلاش خود را انجام می دهد تا حد امکان اعتراضات زنان را در عرصه های مختلف به هم وصل کرده و صدای این اعتراضات در عرصه بین المللی باشد.

انترناسیونال: از "فتنه" در داخل و خارج از ایران چگونه استقبال شده است؟

سیامک امجدی: گرچه مدت کوتاهی از آغاز به کار این نهاد می گذرد، اما در همین

ادامه صفحه ۴

طرحهایی برای فعالیتهای آینده فتنه دارید؟

سیامک امجدی: فتنه در حال حاضر نشریه هفتگی فارسی و نشریه ماهانه انگلیسی منتشر می کند؛ وب سایت و وبلاگ و فیس بوک دارد؛ برنامه تلویزیونی اش را دارد.

در کنار فعالیتهای روتین، "فتنه" اخیراً کمپینی را فرخوان داده است تحت عنوان "استادیوم برای همه" و برای لغو ممنوعیت ورود زنان به استادیومهای ورزشی در ایران. این کمپین تا به امروز با استقبال زیادی روبرو شده است. در این رابطه مینا احدی، سخنگوی "فتنه" با مقامات فیفا ملاقاتی داشت و از آنها خواست که جمهوری اسلامی را برای لغو ممنوعیت ورود زنان به استادیومها تحت فشار قرار دهد. بعد از این ملاقات شاهد بودیم که بحث بر سر اجازه ورود زنان به ورزشگاهها در بین مقامات جمهوری اسلامی مجدداً بالا گرفت.

همچنین "فتنه" از جمله فراخوان دهندگان کمپین و تجمعی بود که علیه جداسازی جنسیتی در دانشگاههای بریتانیا سازمان داده شده بود. کمپین اعتراضی علیه UUK چنان با قدرت پیش رفت و با چنان عکس العمل وسیعی در جامعه و در رسانه ها مواجه شد که به فاصله کوتاهی پس از برگزاری این تجمع اعتراضی، دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا دخالت و به نفع ممانعت از جداسازی جنسیتی موضع گیری کرد و UUK مجبور به عقب نشینی شد.

در ماه اکتبر ۲۰۱۴ نیز یک کنفرانس دوروزه بسیار مهم در لندن از طرف فتنه و یک قانون برای همه برگزار می شود که تعدادی از شخصیتهای سرشناس بین المللی

زن "فتنه" ای است علیه حکومتها، علیه جمهوری اسلامی و علیه

جریانات اسلامی در همه جا که امر سرکوب و بی حقوقی زن سازمان و به پیش می برند!

انترناسیونال: از "فتنه" بعنوان جنبش نام برده شده، آیا برای پیشبرد این جنبش سازماندهی و تشکیلات هم ایجاد شده است؟

سیامک امجدی: قطعاً نهاد "فتنه" برای پیشبرد فعالیت خود احتیاج به تشکیلات و سازماندهی دارد. در حال حاضر ۱۱ نفر از فعالین و مدافعین حقوق زن تحت عنوان شورای مرکزی "فتنه" فعالیتهای آنرا پیش می برند. از این میان مریم نمازی و مینا احدی سخنگویان "فتنه" در عرصه بین المللی و رو به ایران هستند. خود من هم در کنار مسئولیتهای دیگری که در این نهاد بر عهده دارم، هماهنگ کننده فعالیتهای "فتنه" را بر عهده دارم.

انترناسیونال: فتنه در چه عرصه هایی فعالیت دارد؟

سیامک امجدی: کار در عرصه زنان، کار مشکلی است و وقت و انرژی بسیار زیادی می خواهد. خصوصاً اگر این فعالیتهای را داوطلبانه و با وقت محدودی که داریم انجام بدهیم. فتنه در عرصه های مختلف فعالیت خود را به پیش می برد. راه انداختن کمپین های مبارزاتی، سازمانیابی اعتراضات از طریق میدیای اجتماعی، برپایی کنفرانس ها و سمینارها حول موضوع جنبش رهایی زن از جمله اشکال فعالیت فتنه است.

انترناسیونال: چه فعالیتهایی در حال حاضر در حال انجام و چه

طبقاتی مختلف از همه آزادی و برابری زن دفاع کنیم.

موقعیت و وضعیت جنبش زنان در ایران، در کشورهای اسلام زده و تمام دنیا تغییر کرده است. اعتراضات زنان در تمام جهان خصوصاً در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، گسترش یافته است. زنان مبارز در مصر و تونس را دیدیم که در صف اول اعتراضات علیه رژیم های مستبد خود بودند که بالاخره منجر به پایین کشیدن حکومتهای دیکتاتور مبارک و بن علی؛ در ترکیه، در افغانستان، در هند، در عربستان و کشورهای دیگر، اعتراض به بی حقوقی زنان و قوانین زن ستیز گسترده تر شده است، تا آنجاییکه به ایران برمی گردد، در جریان اعتراضات ۸۸ زنان نقش فعالی را برای خلاصی از نکت جمهوری اسلامی داشتند و از آن مقطع تا به امروز نیز جنبش اعتراضی وسیعی علیه حجاب، علیه تبعیض و جداسازی ها و علیه قوانین اسلامی پا به میدان گذاشته است و جمهوری اسلامی را به چالش گرفته است. ما می خواهیم جنبشمان را قوی تر و متحد و متشکل تر کنیم. ضرورتش در اینجا است.

انترناسیونال: چرا اسم "فتنه" انتخاب شد؟

سیامک امجدی: برای اینکه در اسلام و خیلی از مذاهب زنان منشا فتنه شناخته شده اند. از نظر آنها، زنانی که حاضر به تمکین نیستند، زنانی که در مقابل قوانین و سنتهای ضد زن مقاومت و نافرمانی می کنند، فتنه قلمداد می شوند. بنابراین با انتخاب این اسم، نه تنها می خواستیم تمرکز فعالیت این نهاد را عرصه زنان نشان بدهیم، بلکه اعلام کنیم که جنبش برای رهایی

انترناسیونال: نزدیک به یک سال از تشکیل "فتنه" - جنبش برای رهائی زن می گذرد. این نهاد به چه دلیل تشکیل شد و چه اهدافی دارد؟

سیامک امجدی: نهاد "فتنه" در اواسط آوریل ۲۰۱۳ با امضا و حمایت بیش از ۱۷۰ نفر از مهمترین شخصیت های آنتیست، اومانیست، سکولار و مدافع حقوق زن از سراسر جهان اعلام موجودیت کرد. "فتنه" - جنبش برای رهائی زن، یک حرکت اعتراضی است در دفاع از آزادی، برابری و سکولاریسم و همچنین برای لغو قوانین و سنتها و اخلاقیات ضد زن و مذهبی؛ برای لغو آپارتاید جنسی و حجاب اجباری و بر علیه تجارت جنسی و خشونت نسبت به زنان است.

ضرورت تشکیل نهاد "فتنه" به موقعیتی بر می گردد که زن در آن گرفتار آمده است. ضرورتش از حق زندگی زنان بعنوان شهروندان با حقوق برابر با مردان ناشی می شود. ضرورتش این است که زن در جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلامی و دیگر مذاهب مورد شنیدترین نابرابری ها قرار می گیرد. زن در بخشی از این دنیا حق ورزش کردن در بسیاری از رشته ها را ندارد و حق ندارد با لباس آدمیزاد در مسابقات ورزشی شرکت کند. حق حضانت بچه اش را ندارد حق سفر ندارد. در بخشی از دنیا و از جمله در ایران که محل مستقیم فعالیت ما است، حکومتی سر کار است که می خواهد انسان و خصوصاً زنان را نه به قرون وسطی که به برده داری برگرداند. ما علیه این وضعیت هستیم. ما می خواهیم به آن مبارزه عظیم میلیونی مردم متمدن و زنان مبارزه و برابری طلب، افق و استراتژی روشنتری بدهیم و در جدال با گرایشها و

طرح "هدفمند کردن یارانه ها" و بن بست حکومت

شهلا دانشفر



فوری دستمزدها، يك پاسخ مهم کارگران و کل مردم به تهاجم رژیم اسلامی تحت عنوان "طرح هدفمند کردن یارانه ها" و شوک تورمی موجود است. بعلاوه پاسخ مردم جمع شدن حول خواسته‌های سراسری از جمله درمان و بهداشت رایگان، تحصیل رایگان برای همگان در تمام سطوح تحصیلی و بیمه بیکاری برای همه بیکاران آماده به کار اعم از زن و مرد است. ضمن اینکه در برابر گران شدن، کالاهای حامل انرژی و در نتیجه گران شدن دیگر کالاها، قبض های گاز، برق و آب را نباید پرداخت کرد. جنبش نپرداختن قبضها يك گام مهم برای عقب راندن طرح "هدفمند کردن یارانه های" حکومت است.*

رژیم اسلامی با حذف چندرغاز سوبسید به برخی کالاهای اساسی مردم و افزایش قیمت کالاهای حامل انرژی و متعاقب آن افزایش قیمت دیگر کالاها، فلاکت بیسابقه ای را به توده کارگران و مردم تحمیل کرده است. اکنون بیش از هر وقت مسئول است که نه تنها یارانه های نقدی را پرداخت کند. نه تنها به مردم سبد کالایی بدهد، بلکه سطح دستمزدها را فوراً افزایش دهد. همچنین مردم از سطح معین و قابل قبولی از بیمه های اجتماعی برخوردار باشند. همین امروز کارگران خواست افزایش دستمزد دو میلیون تومان در گام اول را به پیش کشیده اند و باید وسیعاً به این حرکت پیوست. خواست افزایش

نکنند. بدین ترتیب خودشان از خط فقر ۵ میلیون، دو میلیون و هشتصد و دو میلیون و انواع خط فقر بحث میکنند و حالا در مورد سقف در آمد برای افراد نیازمند به "یارانه نقدی" مانده اند و با پیش کشیدن ۴ سناریوی مورد اشاره، دارند مقدمات حذف بخش وسیعی از مردم از لیست گیرندگان یارانه های نقدی را فراهم میکنند. در ۴ سناریوی احتمالی این جنابان نیز جمعیت میلیونی بیکاران که طیب نیا از هشت و نیم میلیون بیکاری سخن میگفت، جایی ندارند. جمعیتی میلیونی بیکاری که از هر گونه بیمه اجتماعی محرومند.

پاسخ ما مردم چیست؟

از صفحه ۳

جنبش برای رهائی زن "فتنه" ای است علیه ...

شرکت چند تن از فعالین و مدافعین حقوق زن در نشریه برگزار کرده است. "فتنه" همچنین در تنظیم، پخش و تبلیغ سند مطالبات فوری هشت مارس علیه نابرابری و تبعیض در ایران که تا کنون بیش از ۳۰۰ نفر از آزادیخواهان، فعالین سیاسی و اجتماعی رسیده است، نقش ویژه ای داشته است. فعالین ما در داخل ایران هم قرار است فعالانه در برپایی اعتراضات و متینگ ها و اجتماعات و جشن ها به مناسبت ۸ مارس دخالت کنند و به آپارتاید جنسیتی، به قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی و به حقوقی زنان اعتراض کرده و از حرمت و منزلت زن دفاع کنند.*

خصوصاً در سوئد، کانادا، آلمان فعالانه در مراسمهای هشت مارس شرکت می کنند و اعتراضات و مبارزات زنان ایران را در سطح بین المللی نمایندگی کرده و صدای آنها را به گوش مردم دنیا می رسانند. چندین جلسه سخنرانی به زبان فارسی در آلمان، سوئد و کانادا بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن برگزار می شود که مینا احدی، سخنگوی نهاد "فتنه"، از جمله سخنرانان این جلسات است. در همین رابطه در آمریکا و در دانشگاه میسوری کنفرانسی برگزار می شود که مریم نمازی، سخنگوی دیگر "فتنه" بعنوان سخنران در این جلسه شرکت می کند. زن آزاد نشریه هفتگی "فتنه" نیز میزگردی بمناسبت ۸ مارس با

مدت، افراد بسیاری از داخل و خارج از ایران با آن همراه شده اند. "فتنه" در سطح بین المللی نهاد معتبری است چرا که با حمایت شخصیت های مهمی از میان آتئیست ها، اومانیست ها، سکولارها و مدافعین حقوق زن از سراسر جهان فعالیت خود را شروع کرد و با حمایت و پشتیبانی همین شخصیتها فعالیتش را به پیش می برد.

انترناسیونال: در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن هستیم. در استقبال از این روز فتنه چه اقداماتی در دستور کار خود دارد؟

سیامک /مجیدی: فعالین "فتنه" در کشورهای مختلف

ملا در ۱۳ اسفند جاری در گفتگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری مجلس گفت. او در رابطه با این موضوع میگوید: "در تهران فردی که حتی با درآمد ماهانه ۵ میلیون مستاجر باشد، زیر خط فقر است". سپس نتیجه میگیرد که نباید برای پرداخت "یارانه نقدی" سقف درآمندی تعیین کرد و امکان ارزیابی درآمد در ایران را غیر ممکن خواند. يك دلیل مهم این معضل را غیر واقعی بودن اطلاعات مربوط به وضعیت مردم و غیر ممکن بودن جمع آوری چنین اطلاعاتی دانست.

در توضیح دیگری در مورد اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" غلامرضا مصباحی مقدم رئیس کمیسیون برنامه، بودجه در خصوص کسانی که یارانه نقدی به آنان تعلق میگیرد، به ۴ سناریو به شرح زیر اشاره میکند: سقف درآمندی يك میلیون تومان که سقف معافیت از مالیات در سال ۹۳ هستند، سقف درآمندی ۵،۱ میلیون تومان، و حتی سقف درآمد تا ۵،۲ میلیون تومان سناریوهای دولت برای شناسایی یارانه بگیران است.

خلاصه کلام اینکه همه این گفته ها به روشنی بن بست رژیم را در برابر طرحی که در مقابل خود گذاشته است، به روشنی نشان میدهد. از جمله دولت هنوز جرات علنی کردن سقف مورد نظر برای پرداخت "یارانه های نقدی" را پیدا نکرده است. در نتیجه تنها نکته اعلام شده اینست که مرحله دوم هدفمندی یارانهها به خانوادههای "متقاضی و نیازمند" پرداخت می شود. همانجا هم بیشمارانه و مستاصل اظهار امیدواری میکنند که ممکن است خانواده هایی نیازمند باشند و تقاضا هم

با تصویب مجلس اسلامی، مرحله دوم طرح "هدفمند کردن یارانه ها" از آغاز سال آتی به اجرا گذاشته میشود. نکته مهم در اجرای این طرح حذف بخش بسیاری از مردم از شمولیت دریافت چندرغاز یارانه های نقدی و پرداخت آن تنها به سطح معینی از درآمد، و نیز تلفیق یارانه نقدی و کالایی با هم است. این تغییر مقدمه ای برای حذف تدریجی "یارانه های نقدی" و در مقابل افزایش کالاهای حامل انرژی تحت عنوان "اصلاح قیمت ها" است. در بحث هایشان از شیب ملایم افزایش قیمت ها "اصلاح قیمت ها" صحبت میکنند. اما بالاخره از محل اجرای این سیاست مبلغ ۴۸ هزار میلیارد تومان دولت طی یکسال درآمد نصیبش شود. بنابراین شیب آرام یا تند تصمیمشان اجرای این سیاست و در نتیجه آن وارد کردن شوک تورمی دیگری به جامعه است. نکته مهم اینجاست که در اجرای این طرح حسابی در گل گیر کرده اند. مهمترین معضلشان نیز موضوع "یارانه های نقدی" است که هر چه میکنند نمیتوانند کردن خود را از وبالش خلاص کنند. البته از همان آغاز و در مرحله اول اجرای این طرح نیز قصدشان پرداخت یارانه نقدی به همگان نبود. گفتند دهک بندی میکنند و هزار بحث به میان آوردند، اما در عمل نتوانستند و اجرایش بر روی دستشان ماند. و به گفته خودشان ناگزیر به پرداخت "یارانه نقدی" به ۷۶ میلیون مردم شدند. اکنون نیز که تصویب کرده اند یارانه نقدی را به خانوارهایی کمتر از "میزان معینی از درآمد" بدهند، صحبت از این است که به هیچ وجه نمیشود در آمد را ارزیابی کرد. این را عزت الله یوسفیان

علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار - ۴

عباس گویا

تکنولوژیهای اتوماسیون

تسلط بر اتم مراحل جنینی خود را طی میکند که یکی از تکنولوژیهای ملهم از آن نانو تکنولوژیست. برای آشنائی با آن شاید بد نباشد اشاره کرد معیار اندازه گیری در این تکنولوژی نانو متر - برابر با یک میلیارد متر - است. نانو متر واحد اندازه گیری اتم است. بعنوان مثال قطر اتم هلیوم یک دهم نانو متر است. نانو تکنولوژی از دهه ۸۰ از سطح تئوری به مطالعات آزمایشگاهی ارتقا پیدا کرد و از اواسط دهه قبل در سطح صنایع بکار گرفته شد. در حال حاضر کمتر از هزار محصول نانو در بازار خرید و فروش می شود و هفته‌ای ۳ تا ۴ محصول نانو به بازار افزوده میشود. نانو تکنولوژی اغلب بعنوان ضمیمه کالا برای دوام بیشتر محصولات بکار برده میشود. هنوز ابزاری که بتوان یکم آن تولیدات انبوه نانو تکنولوژی را که حاصل مستقیم مانیپولاسیون اتم، بعبارت دیگر اجسامی که ساختشان از مرحله بافت اتمی آغاز شده باشد، ساخته نشده است. نانو - مایکروبیولوژی یکی از ترکیبات بیو با نانو است. ارگانیزمهای حیاتی، از جمله آدرس تک تک سلولهای انسان را فراهم آورده است، این اما نقشه عام بدن انسان است در حالیکه نقشه دی ان ای بدن هر انسان منحصر بفرد است. علم و تکنولوژی ژنتیک هنوز در دوران طفولیت خود بسر میبرد. نانو تکنولوژی امکان کاربرد بافت اتمی در صنعت را در چشم انداز قرار داده است و تکنولوژی بیو در قالب علم ژنتیک قصد دارد به هسته سلول تسلط پیدا کند. کوانتم تکنولوژی بستر دو تکنولوژی یاد شده است. کاربرد این آخری در ساخت احتمالی کامپیوترهای آینده به بستری تبدیل میشود که تکنولوژیهای بیولوژیک و نانو در درون آن

پرورش مییابند.

منابع انرژی فردا یا مستقیماً استفاده از منابع طبیعی - مانند خورشید، باد، منابع آب و مغناطیس زمین - یا کپی کردن طبیعت در تولید انرژی یا مهار چهار نیروی شناخته شده طبیعت خواهند بود: نیروهای جاذبه، الکترومغناطیس و نیروهای ضعیف و قوی هسته ای. گفته میشود کاربرد نیروی مغناطیس در صنعت در قرن جاری میتواند بعدی افزایش یابد که ممکن است قرن ۲۱ در علم فیزیک با مغناطیس تداعی شود. در سطح تئوری، اشکال تولید انرژی در آینده میتوانند آستره ترین شکل تولید انرژی باشند، مانند اتصال آنها به یکدیگر. در اینصورت وابستگی صنعت به مواد خام تولید انرژی، مانند فسفیل گیاهان و حیوانات - ذغال سنگ و نفت - از بین میرود چرا که با تسلط بر اتم هر جسمی - یک تار مو، یک شن، یک لیوان آب - میتواند منبعی برای تولید انرژی باشد. برخلاف انرژی هسته ای امروز، انرژی حاصل از تسلط بر اجسام مادی میتواند انرژی سالم و بی خطر برای انسان و کلا موجود زنده و محیط زیستشان باشد مشروط بر اینکه انسان آزاد زندگی کند. بکارگیری نانو و بیو تکنولوژی در صنعت همین امروز با آثار مخربی برای سلامت انسان و طبیعت همراه داشته است به این خاطر که انگیزه تولید سود است، سرمایه "وقت و پول" تحقیق و بکارگیری معیارهایی که انسان و طبیعت را از مضرات کاربرد تکنولوژیهای جدید مصون نگه دارد، ندارد. انسان در شرایط زیست آزاد مخرب طبیعت نیست بلکه طبیعت را بازسازی خواهد کرد. بعنوان مثال نه تنها میتواند کره زمین را از شر آلودگی جاری محیط زیست نجات دهد و آنرا پالایش دهد بلکه میتواند حیات گیاهی را بازسازی کند. بقول مارکس «حیوان تنها خودش را

تولید میکند در حالیکه انسان همه طبیعت را باز تولید میکند. یک حیوان تنها طبق معیارها و نیاز گونه ای که به آن تعلق دارد قالب میگردد. در حالیکه انسان میدانند چگونه طبق معیارهای تمام گونه ها تولید کند، و میدانند چگونه در هر کجا معیار طبیعی سوژه اش را بکار برد».^[۱] بدون ادعای شناخت عمیق از علوم و تکنولوژیهای یاد شده، اینرا میدانیم که بدرجه ای که پیشرفتهای علمی به تکنولوژی ترجمه میشوند، رشد نیروهای مولده به یمن اتوماسیون پیروسته تولید باشکال نجومی افزایش مییابند. اگر دورنمای تسلط انسان بر اجسام مادی در مقابلمان قرار دارد آنگاه میتوان تصور کرد که فقط ترکیب عالی سه تکنولوژی فوق امکان اتوماسیون قریب به صد درصد تولید و خدمات مادی جامعه را ممکن و باین ترتیب کار منقضی شود.

کار در مقابل فعالیت

کار با عنوان مشخص شغل شکل خاصی از فعالیت انسانی است. کار برابر با فعالیت انسانی نیست بلکه مقید کردن آن است. فعالیت انسانی از انسان جدائی ناپذیر و انسان بدون فعالیت هویت انسانی اش را از دست میدهد. کار اما با وجود آمدن اولین جوامع طبقاتی همزاد بوده است. کار، مقید کردن فعالیت انسانی در سازماندهی تولید اشیا و خدمات مورد نیاز معیشتی اوست. کار نتیجه سازماندهی تولید مایحتاج زندگی در جوامع طبقاتی است. فعالیت انسانی حتی در قالب کار فعالیتی خلاق است. شیوه تولیدهای طبقاتی تا کنونی انسان را از فعالیت خلاق خود، از کار خود، بیگانه کرده اند. برای رسیدن به آزادی، قبل از هر چیز باید رابطه ای که فعالیت انسانی را در قالب کار به انقیاد میکشد

و آنرا از خالقش بیگانه میکند از بین برد تا انسان به امکان فعالیت آزاد دست یابد. اما معضل تولید مایحتاج انسانی هنوز هم پابرجا است و فعالیت انسانی باید باز هم برای تولید احتیاجات مادیش سازماندهی شود. دورنمای تحولات علمی و تکنولوژیکی نوید امکان اتوماسیون قریب به صد در صد را میدهند. وقتی کار منقضی شود بقول مارکس انسان برای همیشه آزاد میشود: «در حقیقت، قلمرو آزادی تنها هنگامی به واقع آغاز می شود که کار، که ضرورت نیازهای مادی است، منقضی میشود»^[۲]

معیار آزادی: وقت آزاد

در قسمت اول این نوشته از کوتاه شدن فاصله فیزیک با مفهوم ماده در فلسفه ماتریالیستی صحبت کردم، حال به کوتاه شدن فاصله فلسفه ماتریالیستی با مفهوم زمان در فیزیک نگاهی بیندازیم. طبق تئوری بیگ بنگ، گیتی بر بعد قابل شمارشی بنام زمان سیال شده است. بعد زمان پابپای فضای سه بعدی و اولین ذرات بنیادی و اتمها بوجود آمد. از آن پس ماده ای که ما میشناسیم در این چهار بعد موجودیت یافت، فعال و سیال شد و عمرش قابل شمارش است. زمان بعد شمارش طول حیات گیتی و هر جز وجودی آن است. ماده در شکل بیولوژی آن از این قاعده مستثنی نیست. معیار اندازه گیری طول عمر یا حیات بیولوژیکی، زمان است. بیولوژی اگر چه عالیترین شکل ماده است، نسبت به اغلب اشکال غیر زنده ماده عمر بسیار محدود و کوتاهی دارد. در نتیجه واحد زمان برای شمارش حیات انسان جایگاه بسیار مهمتری از همان واحد برای اشکال بی شعور دارد. سنگهای کنار یک ساحل ممکن است میلیاردها سال عمر داشته باشند. صد سال برای یک سنگ جایگاه بسیار کم اهمیت تری از یکدقیقه عمر برای انسان دارد. تئوری ارزش مارکس یکمک واحد زمان قابل مشاهده است و شمارش ساعات کار اضافی،

استثمار را بتصویر میکشد. سرمایه دار با استثمار ما وقت ما را میدزدد. اگر فرض بگیریم ما در مطلوبترین شکل حاکمیت سرمایه با درجه ای از رفاه زندگی کنیم هنوز هم بخش قابل توجهی از زندگی خود را با فروش اوقاتمان با اسباب معیشت زندگی مبادلده میکنیم، بعبارت دیگر بخش قابل توجهی از زندگی ما در سرمایه داری صرف بقا میشود. آزادی قطعی انسان در نتیجه هنگامی بدست میاید که او بتواند با معیار زمان صاحب اختیار شدن بر زندگی خود را نشان دهد. بعبارت دیگر اگر ما صاحب اختیار زمان باشیم، صاحب اختیار زندگی خود هم شده ایم.

حیات بیولوژیکی اما یک چاقوی دو لبه است. برای بقای فیزیکی باید به نیازهای مادی حیات پاسخ داد. برای پاسخ به این نیازها باید وقت صرف کرد، یعنی باید خود زندگی را صرف پاسخ به نیازهائی کرد که شرط بقای فیزیکی اوست. این دور باطل هنگامی بسته میشود که انسان برای بقا لازم به صرف زندگی نباشد، یعنی خود را از شرط مقید کننده ای که حیات بیولوژیک به آن وابسته است خلاصی دهد. مشروط بر اینکه امکانات مادی بقا برای انسان بدون صرف زندگی فراهم باشد، وقت آزاد - وقتی که برای بقا صرف نکرده است - معیار اندازه گیری آزادی است. همین معیار را میتوان در شیوه تولیدهای طبقاتی تاکنونی نشان داد. برده هیچ وقت آزادی ندارد، زمان "آزاد" رعیت هنگامیست که او برای خود کار میکند، و وقت آزاد کارگر زمانیست که او کار نمیکند. انسان در مسیر پاسخ به نیازهای اولیه اش (خوراک و تولید مثل) وارد رابطه با یکدیگر شد، به شناخت طبیعت پرداخت، ساکن شد، کشاورزی کرد، اضافه تولید بوجود آمد، جامعه طبقاتی شکل گرفت و ... امروز انسان "شش میلیون" نیاز دارد بدون اینکه آزاد شده باشد. تنوع شش میلیونی نیازها

علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار - ۴

حاصل تکامل جامعه بوده است، نتیجه تلاش او به پاسخ دادن به همان نیازهای اولیه حیات فیزیکی اش بوده است. نیازهای مرکب انسان امروز در جامعه مبادله ای میکند که انسان سه میلیون سال پیش میکرد: برای تامین نیازهای بقا مجبور است زندگی را مصرف کند، امروز در قالب فروش زمان نیروی کارش. انسانی که با آزاد کردن تمام وقت خود از قید مصرف زندگی برای بقا آزاد شد، انسان نیست که نیازی به کار برای تامین نیازهای مادی اش نداشته باشد. او چه خواهد کرد؟ بنظر من معما این نیست که انسان چه فعالیت خاصی را در فردای آزادی تمام وقت خود انجام میدهد و چگونه فعالیت او به رشد خود و جامعه کمک خواهد کرد یا ارتقا خواهد داد. فعالیت انسان در شرایط زیست آزاد یک جهتگیری دارد: رشد. رشد فرد ضامن رشد همگان خواهد بود. این امر اما موقعی به اعلاترین درجه معنای عملی پیدا میکند که انسان بمعنی واقعی کلمه آزاد شده باشد، یعنی وقت او بدون هیچ قید و شرطی آزاد شده باشد، هنگامیکه کار منقضی شود.

تناقض اتوماسیون در سرمایه داری

در جوامع سرمایه داری که کار منبع سود و همزمان فروش نیروی کار به تامین معیشت انسان گره خورده است، اتوماسیون قریب به صد در صد مترادف با حذف سود و بیکاری سازی حاصل از اتوماسیون مترادف با قطع معیشت، مترادف با فقر و فلاکت است. اگر چه نطفه علوم و تکنولوژی ای که کار را منقضی کند در سیستم سرمایه داری زده میشود، اما پروسه ای که در آن علم و تکنولوژی امکان اتوماسیون در حد کمال بارآوری را نوید دهد همزمان جامعه را دچار چنان

کننده ای برای تشخیص يك اقتصاد سوسیالیستی بعنوان يك شیوه تولیدی نیستند. با این فرض مارکس میگوید: «مناسبات برتر تولیدی جدید هرگز پیش از آنکه شرایط مادی موجودیتشان در چارچوب جامعه قدیم فراهم آمده و به بلوغ رسیده باشد جانشین مناسبات قدیم نمی شوند. لذا انسانها تنها انجام تکالیفی را در دستور کار خود می گذارند که از عهده انجامش برمی آیند. زیرا بررسی دقیق تر همواره نشان می دهد که مساله خود تنها زمانی بروز می کند که شرایط مادی حل آن دیگر شکل گرفته یا لااقل در شرف شکل گرفتن است ... در بررسی این گونه تحولات همواره باید تمیز گذارد میان تحول مادی شرایط اقتصادی تولید، که با دقت علوم طبیعی قابل تعیین است، و اشکال حقوقی، سیاسی، مذهبی، هنری، فلسفی، و در يك کلام ایدئولوژیکی که انسانها در قالب آن بر این تعارض آگاهی می یابند» [۲]

وقتی ایدئولوژیهای بورژوا و فیزیکدانان دم و دستگاهی نیز از پایان "سرمایه داری کالائی" دم میزنند، آنها مهر تاییدی بر بلوغ مناسبات برتر تولیدی برای ورود به يك اقتصاد سوسیالیستی زده اند. با توجه به داده های امروز، اقتصاد سوسیالیستی میتواند با بلافاصله بر پایه انقضای کار استوار شود یا با برداشتن آخرین قدمها در آن مسیر گام بردارد. آنچه مسلم است عاجلانه بودن نیاز به يك جامعه و اقتصاد سوسیالیستی است. عاجلانه بودن این حکم نه لزوماً از سر امکان انقضای کار که قبل از همه بخاطر رها کردن بشریت و کره خاکی از سیستمی است که با بارآوری بیشتر کار تناقض درونی خود را عیان تر کرده، نه تنها مانعی بر سر راه رشد جامعه خواهد بود که میتواند کلیت جامعه بشری و حیات بیولوژیکی را به ورطه نابودی کامل بکشاند. با تعریف امروزه کار، نرخ بیکاری در يك جامعه سوسیالیستی میتواند صد در صد باشد در عین حالیکه همه در رفاه زندگی میکنند. هدف از جامعه

سوسیالیستی سازماندهی تولید مایحتاج زندگی حول سازماندهی نیروی کار و استخراج سود نیست. هدفش «رشد آزادانه فرد ضامن رشد همگان» از طریق فعالیت آزادانه و دلخواه فرد است. منظور از رشد و فعالیت، تامین کردن مایحتاج زندگی نیست بلکه خلاصی از فعالیت مقید شده ایست که هدفش تامین مایحتاج زندگی است.

سوسیالیسم در يك کشور تابعی از داده های يك جامعه مشخص، تابعی از توان تولید در آن جامعه مشخص است. اگر چه رشد نیروهای مولده در يك مقیاس جهانی رو به افزایش است اما این رشد لزوماً در همه جا یکسان نیست و از جمله تابعی از توان علمی و تکنولوژیکی صنعت در يك جامعه مشخص است. بعنوان مثال، در ایران مسئله تامین مواد اولیه آذوقه در فردای انقلاب سوسیالیستی میتواند به اهرمی برای فشار روی جامعه نوپای سوسیالیستی تبدیل شود. اگر مستقیماً با حربه جنگ علیه دولت سوسیالیستی دست بکار نشوند، اهرمهای دیگری و درصدها آنها تحریم یا محدودیتهای مبادله آذوقه را بکار خواهد انداخت. فقط يك قلم نیاز گندم در ایران را در نظر بگیریم. کافیسیت چند کشور عمده صدور گندم جهان با بهانه هائی صدور گندم را به دست انداز بیندازند و زمینه ساز تحمیل گرسنگی و قحطی به ما شوند. با این مشکلات محتمل چگونه میتوان برخورد کرد؟ نمیتوان بر حسب احتمالات قوانین تعیین کرد اما میتوان چارچوب و اقدامات مشخصی را در دستور کار قرار داد. به این ترتیب، سرنوشت انقلاب و اقتصاد سوسیالیستی به فرد وابسته نمیشود بلکه به کاربست آن چارچوب و اقدامها گره میخورد. این اقدامها باید دو مشخصه داشته باشند، نه آنقدر عام که قابل تفسیر باشند و نه آنقدر خاص که تابع امکانات روز يك جامعه باشند. با این توصیف دو اقدام زیر را بررسی کنیم. اول باید معیار، مکانیسم و ابزارهای شفاف برای تشخیص

«حضور و غیاب» ارزش اضافه تعیین کرد. اگر این معیار عبارت مارکس در نقد برنامه گوته "به هر کس به اندازه کارش" باشد، جامعه بقول مارکس هنوز از مهر بورژوازی بر پیشانی خود خلاص نشده است. مشکل این معیار در دوره ای که بارآوری کار بسیار بالا رفته است تولید اضافه محصول است. تولید اضافه که محصول یعنی کار اضافه که بنویه خود میتواند نشانه تولید ارزش اضافه باشد. از سوی دیگر معیار فاز کمونیستی: "از هر کس به اندازه توانش، به هر کس به اندازه نیازش" نیز دچار همین مشکل است. مشکل در اینجا عبارت "توانش" است. این عبارت میتواند تعابیر مختلفی داشته باشد اما اگر معنی دقیق لغوی آنرا در نظر بگیریم، باز با همان معضل قبلی روبرو میشویم: توانائی امروز انسان بسیار بیشتر از تولید نیازهای مادی جامعه انسانیت است. بنظر من باید عبارت "گمک داوطلبانه" جایگزین «توانش» شود. وقتی معیار مشخص شد، ابزار نظارت شفاف بر تولید اجتماعی بسادگی قابل دسترس خواهند بود. برخلاف جامعه سرمایه داری، تولید در يك اقتصاد سوسیالیستی از هرج و مرج بدور و تابعی از نیازهای انسان، تابعی از تولید ارزش مصرف است. پس پروسه عرضه و تقاضا رابطه معکوس پیدا میکند، یعنی ابتدا تقاضا، یعنی نیازها مشخص و بر آن اساس تولید و عرضه سازماندهی میشود. بنابراین نظارت بر تولید اجتماعی توسط هر فردی میتواند قابل دسترس باشد: مقایسه عرضه با تقاضا محصولات.

به روز کردن عبارت مارکس در بالا با توجه به توانائی تولید کار در يك سطح جهانی و فراکشوری و قابل اجرا در کشورهایی که امروز بالاترین بارآوری کار را دارند به نظر این قلم آمده است: اروپای واحد، آمریکا، کانادا، شوروی، چین، هند، و حتی برزیل و مکزیک. اما آنچه را که میتوان در تمام دنیا و

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

"مساله فرهنگ" و احساس غربت خامنه ای!

منظور او از "مساله فرهنگ" البته گسترش سکولاریسم در جامعه و استیصال کامل رژیم در برابر آن است.

چندی قبل صادقی نماینده خامنه ای در سپاه ضمن اظهار نگرانی از گسترش سکولاریسم در جامعه گفته بود: "اجازه نخواهیم داد در این زمان ولایت احساس غربت کند!" اما این کار ساده ای نیست! راه حل صادقی اینست که "باید با شهیدان بودن را بیاموزیم" و بلافاصله اضافه میکند که "البته باید توجه داشت که امروز همراه شهیدان بودند دشواریهایی را به همراه دارد که هر کس را یارای تحمل این دشواریها نیست."

مهمترین این دشواریها رویگردانی وسیع مردم از مذهب و حکومت اسلامی است! احساس غربت خامنه ای تا زمان سرنگونی کل این نظام رفع نخواهد شد!*

رویگردانی مردم ایران از اسلام و فرهنگ اسلامی يك دغدغه همیشگی حکومت بوده است. مردم از زمان آغاز روی کار آمدن این حکومت مقدسات و ارزشهای آنرا نپذیرفته اند و در برابر آن مقاومت کرده اند. این واقعیت نه تنها در اعتراضات همیشگی توده مردم، بویژه زنان و جوانان، علیه آپارتاید جنسی و تحمیل قوانین و محدودیتهای مذهبی بلکه در اظهارات مقامات حکومتی به عیان خود را نشان میدهد. اظهارات مستاصلانه ای که موضوع آن عبارتست از هشدارها و ابراز نگرانی های مقامات حکومتی در مورد بدحجابی زنان و خلوت شدن مساجد و نماز نخواندن جوانان و گسترش سکولاریسم و لامذهبی در جامعه و غیره!

اخیرا خامنه در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان اظهار داشته است که "بنده نگران مساله فرهنگ هستم!" و

در مقابل مردمی است که هم انقلاب نارنجی و هم الگوی حکومتی نوع پوتین را تجربه کرده اند و هیچ يك از این دو آلترناتیو را نمی پذیرند.*

روسیه بر سر مساله اوکراین اختلاف دارند و سیاستهای متفاوتی را دنبال میکنند اما بحران اوکراین زائیده تقابل میان سیاستهای این دو کمپ نیست، بلکه حاصل ناکامی هر دو آنها

روز جهانی زن، روز بجایش کشیدن جمهوری اسلامی!

هویت جمهوری اسلامی است. مبارزه علیه بیحقوقی زن در جوهر و اساس خود مبارزه علیه سلطه مذهب و قوانین مذهبی بر جامعه است و این کل موجودیت جمهوری اسلامی را بجایش میکشد. دو هفته بعد از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی جامعه ایران با شعار نه به حجاب اجباری به جنگ رژیم تازه بقدرت رسیده رفت و امروز بر پرچم هشت مارس "نه به جمهوری اسلامی" نوشته شده است. روز جهانی زن برای مردم ایران روز تمرین انقلاب، روز گرده آوری نیرو و کسب آمادگی، برای بزیر کشیدن رژیم ضد زن حاکم است.*

يك نیرو و جنبش تعیین کننده علیه سلطه سپاه جمهوری اسلامی بر جامعه جنبش مبارزه برای آزادی زن است. این جنبش در روز جهانی زن در ۱۷ اسفند ۵۷ علیه فرمان حجاب اجباری خمینی بمیدان آمد و تا امروز که از زندانها خواست جدائی مذهب از دولت را در بیانیه هشت مارس خود اعلام میکند، مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیری را علیه جمهوری اسلامی به پیش برده است.

اما اهمیت جنبش رهائی زن تنها در پیشکسوت بودن و پیگیری آن نیست بلکه در این واقعیت است که اعمال تبعیض و فاحش ترین بیحقوقیها و بی حرمتیها به زنان يك خصیصه

بحران اوکراین و کاریکاتوری از جنگ سرد!

چنین سیاست پلیدی را متوقف کرده ایم!

در اروپا نیز از مقابله قاطع و ایدئولوژیک با روسیه خبری نیست. اروپای واحد حتی با تحریم اقتصادی و دیپلماتیک روسیه توافقی ندارد و بدنبال يك راه حل دیپلماتیک برای مساله است.

از سوی دیگر پوتین در اولین مصاحبه اش بعد از اعزام نیرو به کریمه اعلام میکند که نیروهای مستقر در کریمه افراد محلی هستند که یونیفرمهای ارتشی شان را از مغازه ها خریده اند!

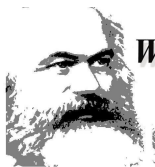
این جنگ سرد میان دو ابر قدرت نیست، بلکه دیپلماسی افتان و خیزان میان دو کمپ از نفس افتاده و بهم ریخته است. در این تردیدی نیست که غرب و

سوریه و غیره است.

اما مساله تنها به انتقادات حزب جمهوریخواه محدود نمیشود. وقتی جان کری در سخنرانش ادعای روسیه مبتنی بر خطر حمله به شهروندان روسی در کریمه را يك علت غیر واقعی و تخیلی و يك زمینه سازی برای لشکرکشی روسیه به اوکراین دانست با این کامنت از جانب مدیای اجتماعی، مدیای اجتماعی در خود امریکا و نه کمپ رقیب، مواجه میشود که "این ادعای پوتین همانقدر واقعی است که ادعای بوش در مورد سلاحهای کشتار جمعی صدام حسین واقعی بود!" و موضوع این جوك شوهای پر بیننده تلویزیونی در امریکا قرار میگردد که "چه سیاست مزورانه ای! ما آمریکائیها ماهها قبل

با استقرار نیروهای نظامی روسیه در کریمه جنگ لفظی میان کرملین و واشنگتن بالا گرفته است. رسانه های غربی کشمکش بر سر اوکراین را آغاز جنگ سرد دوم میدانند اما این کشمکش بیشتر به کاریکاتوری از جنگ سرد شبیه است.

در آمریکا مساله اوکراین به موضوع يك جنگ داخلی بین دو حزب حاکم تبدیل شده است تا به بهانه ای برای يك تهاجم ایدئولوژیک به روسیه. جمهوریخواهان اوپاما را ملامت میکنند که بیش از حد با دستان باز بجای مشتهای گره کرده با پوتین برخورد کرده است و لشکرکشی روسیه به کریمه نتیجه سیاست خارجی ضعیف اوپاما در رابطه با حمله به سمرت آمریکا در لیبی و مساله



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpiran.org

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

بحران حکومتی در اوکراین

اوکراین به منطقه نفوذ سرمایه‌روسی پذیرفته شده است. اروپای غربی روابط اقتصادی و داد و ستد وسیعی هم با اوکراین و هم با روسیه دارد و نه می‌خواهد و نه می‌تواند جایگاه ویژه اقتصاد اوکراین در رابطه با روسیه را بچالش بکشد. از لحاظ ژئوپولیتیک هم اوکراین مکان تعیین‌کننده و حساسی برای روسیه دارد و اینرا همه دولت‌های غربی بخوبی میدانند و عملاً برسمیت می‌نشانند. اگر امروز در میان بالائی‌ها - جناح‌های حاکم در اوکراین و دولت روسیه و آمریکا و اروپای واحد - کشمکش بر سر اوکراین بالا گرفته است اساساً به این خاطر است که جامعه اوکراین به وضع موجود و به تانگوی سیاسی غربی - روسی دار و دسته‌های مختلف حاکم رضایت نمی‌دهد. بحران اوکراین انعکاس بحران حکومتی کل طبقه حاکمه است، و نه اختلافات درون صفوف بورژوازی. مساله پیوستن به اتحادیه اروپا مردم را به خیابان نکشاند است بلکه برعکس خیابان مساله اتحاد اروپا را به محور تخاصمات بالائیها تبدیل کرده است.

انترناسیونال: شما تحولات اوکراین را در چارچوب و از جنس اعتراض نمود و نه درصدها و انقلابات منطقه میدانید. اما جنبش اشغال یک حرکت ضد وال استریت و کلا ضد کاپیتالیستی بود و انقلابات منطقه هم با پرچم نان آزادی کرامت انسانی بمیدان آمد. در اوکراین از این شعارها و جهت‌گیریها خبری نیست. در این مورد چه توضیحی دارید؟

حمید تقوائی: بله درست است. هم جنبش اشغال و هم انقلابات منطقه از نظر شعارها و خواسته‌ها روشن تر و رادیکال تر و صریح تر و متعین تر بودند. از این نقطه نظر تحولات اوکراین شباهتی به تجربیات چند ساله اخیر در غرب و در شرق ندارد. اما

دهه و نه شرایط سیاسی در خود اوکراین (خط و سیاست احزاب و نیروهای سیاسی و جناح‌های حاکمیت و غیره) را باید مورد توجه قرار داد؟

حمید تقوائی: طبعاً در بررسی وضعیت سیاسی هر کشوری همه فاکتورهای داخلی و جهانی را باید مد نظر قرار داد. بحث حتی بر سر مقایسه وزن و نقش این فاکتورها و برجسته کردن و اولویت دادن به یکی در برابری دیگری نیست. نکته مهم اینست که در هر دوره ای تحولات و تغییرات سیاسی در هر کشور بر زمینه و مبنای شرایط سیاسی - اقتصادی و توازن قوای طبقاتی ویژه آن دوره - در سطح جهانی و محلی - شکل می‌گیرد. دو جنگ جهانی بر مبنای شرایط داخلی سیاسی اقتصادی در هر کشور نبود بلکه بر اساس رقابت‌های جهانی قطب‌های امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان - بازارها کار و کالا و سرمایه - شکل گرفت و بوقوع پیوست. در دوره جنگ سرد هم نمیتوان تحولات داخلی هیچ کشوری را مستقل از فاکتور رقابت بین ابر قدرتها و خارج از این چارچوب توضیح داد. بعد از فروپاشی شوروی ما با دو دوره مشخص روبرو بوده ایم. دوره اول دوره تلاش بورژوازی غرب مشخصاً آمریکا بعنوان "رهبر" بلوک پیروز برای تامین هژمونی خود بر جهان پسا شوروی است. این دوره ای است که منصور حکمت با نوشته "طلوع خونین نظم نوین جهانی" آغاز آنرا اعلام می‌کند و مشخصاً آن افسار گسیختگی میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی آمریکا، و بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر بجلو رانده شدن اسلام سیاسی بعنوان کیسه بوکس قدرتمانی غرب است. این دوره که در ادبیات حزب آنرا دوره جنگ تروریسم مینامیم، حدود بیست سال بطول می‌انجامد و با فروپاشی وال استریت در ۲۰۰۸ و از لحاظ سیاسی با انقلاب تونس پایان می‌رسد. (در این مورد قبلاً در نوشته‌های مختلفی توضیح داده‌ام. خواننده علاقمند را بویژه به مقاله "از نظم نوین تا انقلابات نوین"، مندرج در کمونیسم

کارگری شماره ۴، دسامبر ۲۰۱۱، رجوع می‌دهم). از نظر متدلوزی این نکته اهمیت تعیین‌کننده ای دارد که در بررسی و شناخت تحولات محلی چارچوب جهانی این تحولات و اینکه در چه دوره مشخصی این تحولات صورت می‌گیرد را مد نظر قرار بدهیم. مثلاً منصور حکمت در مقطع جنگ خلیج تحولات کردستان عراق را که در سایه حمله هژمونی طلبانه آمریکا و متحدینش به عراق و تحت حریم هوایی ناتو صورت می‌گیرد یک انقلاب و خیزش توده ای قابل حمایت نمی‌داند. این موضعگیری نه بر توازن نیروها در خود عراق بلکه بر زمینه و شرایط جهانی این تحولات مبتنی است. نمونه دیگر تحولات موسوم به "انقلابات مخملی" در دهه نود است که در اثر فروپاشی شوروی و انتقال کشورهای اروپای شرقی به مدل سرمایه داری بازار آزاد صورت می‌گرفت و لذا هر اندازه هم که توده مردم در این تحولات شرکت داشته باشند بهیچوجه نمی‌شود آنرا یک تحول انقلابی بر خاسته از صفندی طبقاتی در این کشورها دانست.

امروز شرایط جهانی درست نقطه مقابل دهه ۹۰ و دوره بیست ساله جنگ تروریست‌ها است. مشخصه دوره حاضر بحران و بی‌افقی جهانی سرمایه، ورشکستگی فریدمنیسم و مکتب شیکاگو و حاشیه‌ای شدن میلیتاریسم و هژمونی طلبی جنگی آمریکا و شکل گرفتن انقلابات و اعتراضات جهانی است.

در تحولات امروز نقش مردم تعیین‌کننده است. این دوره ای است که با فروپاشی وال استریت و هشدار بانک جهانی در مورد شورش گرسنگان آغاز می‌شود. جنگ تروریست‌ها با به عقب رانده شدن میلیتاریسم نئو کنسرواتیستی و اسلام سیاسی حاشیه‌ای می‌شود و اعتراضات و مبارزات توده ای در محور تحولات قرار می‌گیرد.

در این دوره ستون فقرات اسلام سیاسی یعنی جمهوری اسلامی با انقلاب ۸۸ ایران - و در نقد همه نیروهایی که جامعه

ایران را اسلامی و جمهوری اسلامی را نماینده مردم میدانستند - رسوا و بی اعتبار می‌شود و بدنبال آن انقلابات در کشورهای اسلامزده، اسلام سیاسی بویژه در شکل ضدآمریکائی آنرا، بیش از پیش حاشیه‌ای می‌کند. از سوی دیگر با انقلاب تونس و بویژه انقلاب مصر - سقوط دیوار برلین غرب - دوره هژمونی طلبی جنگی آمریکا پایان می‌رسد. تحولات امروز را دیگر نمیتوان در چارچوب جنگ تروریست‌ها توضیح داد. بعنوان نمونه تحركات امروز اسلامیون در مصر و سوریه بهیچوجه آن نقش و جایگاهی را ندارد که در مقطع یازده سپتامبر و سالهای بعد از آن داشت.

این دوره انقلابات است و انعکاس آنرا حتی در تحلیلهای رسانه‌ها غربی - از "حق با مارکس بود" در ۲۰۰۸ تا هشدار آکسفام در مورد سلطه "اقلیت محدودی" بر نیم ثروت دنیا و بر دولتها و تا تحلیلهای و مقالاتی از راست ترین رسانه‌های غربی در مورد "انقلاب میدان" - اکونومیست مقاله مشروحی با عنوان انقلاب فوریه در اوکراین درج می‌کند و مجله نیویورکر تحولات اوکراین را در کنار انقلابات مصر و تونس و تحولات امروز وژوئلا و ترکیه جزئی از شرایط بی ثبات و متزلزل جهانی میدانند - میتوان مشاهده کرد. تحولات امروز دنیا بیش از هر زمان دیگر بطور آشکارا و بلاواسطه صفندی طبقاتی بین توده‌های مردمی که وضعیت موجود را نمی‌پذیرند و اقلیت حاکمی که در یک بحران عمیق اقتصادی و بی‌افقی و بی چشم اندازی سیاسی و استراتژیک گرفتار شده است منعکس می‌کند.

تحولات اوکراین تنها بر چنین زمینه‌ای قابل بررسی و تبیین است. بحران اوکراین اساساً یک بحران حکومتی بعد از جابجا شدن دولت‌های متعدد غربی - روسی و استیصال و به بن رسیدن همه آنها است. اوکراین در سال

بحران حکومتی در اوکراین

۹۱ با يك فرماند با ۹۵ در صد رای مردم از روسیه فروپاشیده جدا شد ولی حکومت بورژوازی در این کشور هیچگاه شکل تثبیت شده ای پیدا نکرد. نه در دهه نود که هنوز روسیه مشغول خانه تکانی و سرو سامان دان به وضعیت خود بود و نه بعد از "انقلاب نارنجی" که به دست بالا پیدا کردن پروغریبی ها در حکومت منجر شد، و نه در دوره سر بلند کردن ناسیونالیسم روس و روی کار آمدن "پوتین اوکراینی". ریشه این بحران و استیصال طبقه حاکمه اوکراین در عروج بحران جهانی سرمایه در سال ۲۰۰۸ است که علت اصلی دست بالا پیدا کردن یا کنونیج در انتخابات ۲۰۱۰ بود و در نپذیرفتن سیستم مافیائی حکومتی و پوتینیزه شدن اوکراین از جانب توده مردم است که به تحولات جاری در اوکراین منجر شد. تنها بر این متن است که نقش احزاب و جنبشهای داخلی اوکراین میتواند بررسی بشود.

انترناسیونال: از نظر شما نقش احزاب و جنبشها و نیروهای داخلی اوکراین در این تحولات چیست؟ ناسیونالیسم افراطی و فاشیستها نقش زیادی در این تحولات داشتند و اتفاقاتی نظیر پائین کشیدن مجسمه های لنین خصلت ضد کمونیستی و ارتجاعی انقلابات مخملی را در خاطره ها زنده میکرد. از سوی دیگر حزب کمونیست اوکراین که نسبت به کشورهای دیگر اروپای شرقی نفوذ بیشتری در جامعه- بخصوص در مناطق شرقی و جنوبی دارد- ابا اتکا به این حوادث این تحولات را کودتای راست علیه دولت یانوکویچ نامید. آیا این شرایط داخلی با نظر شما که تحولات اوکراین را در چارچوب دوره انقلابات قرار میدهد مغایرت ندارد؟

حمید تقوایی: به نظر من هیچیک از این فاکتورها که به آن

نمیگیرد.

باید توجه داشت که چپ متشکل و نسبتا مطرح - یعنی حزب کمونیست اوکراین که از جنس حزب توده است- يك نیروی پرو روس است و وفاداریش به شوروی را تا حد وفاداری به روسیه و دولت پوتین بسط و ادامه داده است. چنین کمونیسمی بیشتر باعث دوری و رویگردانی مردم از کمونیسم است تا جلب و جذب توده مردمی که به حق از دولت موجود ناراضی و متفردند.

با وجود عرض اندام همه این نیروهای راست و ارتجاعی در صحنه سیاسی اوکراین من همچنان تحولات اخیر را به دلایلی که بالاتر توضیح دادم انعکاس خشم و اعتراض به حق مردم نسبت به وضع موجود و کل اولیگارش مالی حاکم میدانم. در هر حرکت انقلابی بخصوص اگر يك نیروی رادیکالی که توده مردم را نمایندگی کند در صحنه نباشد جنبشها و احزاب راست میداندار میشوند. نیروهایی که مثل قارچ حول حرکت اعتراضی و به حق توده مردم جمع بمیدان می آیند و تلاش میکنند از ناراضی و اعتراضات توده ای در خدمت اهداف و سیاستهای ارتجاعی خود بهره برداری کنند. از انقلاب ۵۷ ایران تا انقلابات اخیر منطقه و تا فعال شدن نو فاشیستها در اوکراین ما شاهد این روند بوده ایم. این واقعیت هر کمونیست انقلابی را به دفاع از و برجسته کردن جوهر انقلابی این تحولات و ضرورت دخالتگری و فعالیت هر چه بیشتر برای کنار زدن و حاشیه ای کردن نیروهای راست و امیدارد و نه انکار و تخطئه این حرکتیهای اعتراضی و واریز کردن آنها به حساب نیروهای راست و ارتجاعی.

انترناسیونال: آینده تحولات اوکراین را چگونه می بینید؟ به نظر میرسد بحران اوکراین به يك مساله کلیدی بین روسیه و غرب تبدیل شده است. آیا بحران اوکراین میتواند سر آغاز صف بندی جنگ سردی تازه ای در سطح جهانی باشد؟

حمید تقوایی: استقرار نیروهای نظامی روسیه در کریمه

به بحران اوکراین ابعاد تازه ای داده است و نوعی تبلیغات جنگ سردی دامن زده است ولی به نظر من این شرایط در هیچ بعدی با تقابل غرب و شرق در دوره جنگ سرد قابل مقایسه نیست. در آن دوره دو کمپ سرمایه داری بازار آزاد و سرمایه داری دولتی تحت نام کمونیسم و سوسیالیسم دنیا را به مناطق نفوذ خود تقسیم کرده بودند و مقابله و رقابت آنها نه تنها جنبه های سیاسی و اقتصادی بلکه يك وجه مهم ایدئولوژیک داشت. امروز از لحاظ اقتصادی تفاوتی بین مدلهای و ادعاهای اقتصادی دو طرف وجود ندارد، از لحاظ سیاسی کمپ شرق وجود خارجی ندارد و در کمپ غرب هم اتحاد و همسوئی گذشته به چشم نمیخورد، و بالاخره جانی برای تقابل ایدئولوژیک بین غرب و روسیه نمانده است. بحران اوکراین را باید در چارچوب اختلاف و تضاد منافع کشورهای که با هزار و يك بند از لحاظ اقتصادی بیکدیگر وابسته اند بررسی کرد.

اما حتی در این سطح هم غرب اهرمهای زیادی برای اعمال فشار به روسیه در دست ندارد. دولت آمریکا مشخصا از تحریم اقتصادی روسیه صحبت میکنند ولی بسیار بعید است که بتواند این سیاست را، لااقل در يك سطح جامعی که بتواند اعمال فشار به روسیه باشد، عملی کند. حتی اروپای غربی نه تمایل چندانی به تحریم اقتصادی روسیه دارد و نه قادر به این کار است. با توجه به وابستگی اروپا به گاز روسیه و حجم عظیم صادرات اروپای غربی به روسیه (حجم صادرات تنها دولت آلمان به روسیه بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار در سال است) هر نوع تحریمی پیامدهای ناگواری برای اروپای غربی در بر خواهد داشت. از سوی دیگر روسیه خواهان رودروئی نظامی با غرب و حتی با ارتش اوکراین نیست. مستقر کردن نیرو در اوکراین بیشتر يك اقدام سیاسی است که با هدف ممانعت از پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا صورت میگیرد. این بحران میتوانند ادامه پیدا کند و به يك مساله مزمن در رابطه بین روسیه و

غرب تبدیل بشود ولی بر خلاف جنگ سرد راه حل نهایتا نه در شکست و فروپاشی يك طرف، بلکه در سازش دیپلماتیکی است که طرفین بتوانند به آن رضایت بدهند. آنطور که در مورد سوریه عمل کردند.

انترناسیونال: از نقطه نظر شرایط سیاسی در خود اوکراین آینده را چگونه می بینید؟ دولت آتی این کشور به نظر شما چه ویژگی ای خواهد داشت؟ بعضی از تحلیلگران این نظریه را مطرح میکنند که غرب با يك نقشه از پیش طراحی شده قصد دارد يك دولت نشونازی را در اوکراین مستقر بکند. نظر شما در این مورد و کلا نوع دولت آتی که از این شرایط سر برخواید آورد چیست؟ نیروهای راست در شکل دادن به آتیه اوکراین چه نقشی خواهند داشت؟

حمید تقوایی: بله من هم با این نظریه که دولتهای غربی آفریننده بحران اوکراین هستند و قصدشان بقدرت رساندن نشو نازیستها در اوکراین است آشنا هستم. این يك نوع تئوری دانی جان ناپلوتونی است که نه از نظر متد بررسی تحولات و نه از نظر فاکتها و سیر وقایع ارزشی ندارد. این عینا شبیه موضع دولت پوتین است و میتواند خوراک خوبی برای تبلیغات جنگ سردی روسیه باشد ولی بر تحلیل عمیق و معتبری از شرایط سیاسی اوکراین و اروپا مبتنی نیست. (یکی از منابعی که این تحلیل را ارئه میدهد سایتی است به اسم گلوبال ریسرچ که در توطئه قلمداد کردن تحولات دنیا ید طولانی دارد. تئوری "یازده سپتامبر کار خود آمریکا بود" و یا تئوری "هالوکاست ساخته و پرداخته تبلیغات صهیونیستی است" از جمله دیگر تحلیلهای مندرج در این سایت است.)

احتمال روی کار آمدن نیروهای راست افراطی در اوکراین بخاطر شرایط سیاسی آن کشور کم نیست. همانطور که

Workers and Revolution in the Middle East

از صفحه ۶

علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار - ۴

کارگران و انقلاب در خاورمیانه



کنفرانس بین المللی، استکهلم، ۱۷ مه ۲۰۱۴

در کنفرانس کارگری در استکهلم شماری از فعالین و رهبران کارگری از ایران، مصر، تونس، عراق و اروپا گرد می آیند تا در مورد راههای ایجاد همبستگی با مبارزات کارگران در خاورمیانه و شمال آفریقا هم نظری کنند.

موضوعات اصلی مورد بحث در کنفرانس:

* جنبش کارگری در دوره بعد از انقلابات موسوم به "بهار عربی" (گزارش، و بحث)

* مبارزات کارگران در ایران و چشم انداز پیشروی و انقلاب

* راههای ایجاد همبستگی میان کارگران در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

شرکت در کنفرانس برای همگان آزاد است و از طریق ثبت نام قبلی انجام میشود

برای اطلاعات بیشتر با این ای میل تماس بگیرید

Solidarity.international2014@gmail.com

این کنفرانس به فراخوان کمیته همبستگی کارگری - ایران برگزار میشود
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

اقتصادی در لحظه بدست گیری بعنوان سنگ بنای اقتصاد سوسیالیستی بکار بست، حذف هدفمند روابط سرمایه داری از طریق اقداماتی مشخص است. چه اقداماتی؟
دوم، اگر لنین دوباره میتوانست انقلاب اکتبر را تجربه کند، در فردای انقلاب چه اقدامات مشخص اقتصادی را در دستور کارش قرار میداد؟ (میتوان تصور کرد که اگر او زنده میماند و در بحثهای اقتصادی دهه ۲۰ حزب بلشویک شرکت میکرد، به احتمال قریب به یقین برنامه اقتصاد سوسیالیستی را تدوین میکرد. اما از روز اول بدست گیری قدرت سیاسی چه میتوانست انجام دهد؟) اجازه بدید نقبی به کمون پاریس بزنیم. کمون پاریس با لغو اجاره، یکشنبه باعث شد توده مردم پاریس حامی کمون شوند. پیشتر اشاره کردم هنوز که هنوز است مسکن بزرگترین معضل بشر، بزرگترین قلم معیشتی است. بنابراین اولین و در عین حال بزرگترین قلم معیشتی را میتوان به یک حق تبدیل کرد: حق داشتن مسکن رایگان. وقتی به این نیاز پایه ای مردم جواب بلافاصله داده شود، بیش از ۹۰ درصد از جامعه معنای عملی دولت سوسیالیستی را بلافاصله درک و با جان و دل از حق و از جامعه شان دفاع میکنند. در کنار مسکن میتوان خوراک، پوشاک، آموزش و پرورش، درمان و ایاب و ذهاب رایگان، بعبارت دیگر اقلام اصلی و مادی معیشت را رایگان اعلام کرد. لفظ «رایگان» هنوز بمعنای سوسیالیسم نیست. چرا که رایگان در مقایسه با چه؟ رایگان در اینجا بمعنی حق بکار برده میشود. به این ترتیب همگان حق برخورداری از رایگان مسکن، خوراک، پوشاک و ... را دارند. باید در نظر داشت که این احکام

خاتمه

طرح امروز بحث چشم انداز حذف کار، قرار دادن افق سوسیالیسم مارکسی همپای تحولات علمی و تکنولوژیک، همپای چشم انداز تسلط انسان بر طبیعت است. این بحث امیدوار است که پیشرفتهای عظیم جاری علم و تکنولوژی را در متن مناسبات اجتماعی قرار داده باشد و قدمی در اثبات این اصل باشد که برای سوسیالیسم مارکسی انسان و انسانیت هم نقطه عزیمت و هم هدف است. سوسیالیسمی که میتواند با انقضای کار، با فراهم آوردن زمینه فعالیت آزادانه فرد که ضامن رشد همگان است، اختیار انسان را به او باز گرداند.*

کاپیتال، جلد سوم، فصل ۴۸
http://www.marxists.org/archive/marx/works/1894-c3/ch48.htm
http://www.marxists.org/archive/marx/works/1859/critique-pol-economy/preface.htm
همانجا

هشت مارس روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی

تعالی خانواده" و "طرح ازدواج با دختر خوانده" و طرح تفکیک جنسیتی و ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه اعتراض کنید و خواهان لغو همه این طرحهای عهد عتیقی و ضد انسانی شوید! حجاب اسلامی را دور بیندازید! اعلام کنید که زن و مرد انسانند و در همه حقوق و شئون اجتماعی با هم برابرند.

با شعار نه به تبعیض و نابرابری، نه به آپارتاید جنسیتی و حجاب اسلامی، پرچم رهایی زن از قوانین و سنتها و کل حکومت اسلامی سرمایه داران را بلند کنیم و با صدای رسا از حقوق برابر زن و مرد دفاع کنیم. زنده باد هشت مارس

روز جهانی زن
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ بهمن ۱۳۹۲
۱۸ فوریه ۲۰۱۴

مقاومت و مبارزه قانع نیستیم و همگی مصممیم به کل سیستم پوسیده ضد زن در اشکال مختلف هجوم ببریم. آپارتاید جنسی در اول قرن بیست و یکم ننگ بشریت است. باید هرچه زودتر آنرا از ریشه کند و به زیاله دان انداخت.

هشت مارس روز ماست. فضای هشت مارس را باید در سراسر جامعه جاری کرد. این روز را در همه جا و به هر شکلی که میتوانیم گرامی بداریم. باید این روز را به خاری در چشم حاکمین اسلامی سرمایه تبدیل کنیم. از هم اکنون به استقبال هشت مارس بروید! هر جا که میتوانید تجمع کنید! جشن بگیرید! میتینگ و سخنرانی بگذارید. قطعنامه و بیانیه بدهید. از حرمت و منزلت زنان دفاع کنید! به آپارتاید جنسیتی اعتراض کنید. به طرحهای ضد انسانی نظیر "طرح

زن و مرد، درگیر شدن زنان با ماموران" امر به معروف و نهی از منکر"، طومارهای اعتراضی علیه طرحهای ضد زن رژیم، مقاومت دانشجویان دختر و پسر در برابر جداسازیها، هجوم دختران به سوی ورزشگاهها، و تن ندادن به جداسازیها در اماکن عمومی و امثال اینها گوشه کوچکی از آن مبارزه و مقاومت گسترده ای است که علیه حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران هرروز و هر لحظه در جریان است.

زن و مردان آزاده!
هشت مارس امسال را باید به روز عزم و اتحاد برای گسترش هرچه بیشتر این موج مقاومت تبدیل کنیم. زن و مرد اعلام کنیم که ستم و تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی را نمی پذیریم. نشان دهیم که به این حد از

تحت عناوین "طرح محرم سازی مدارس" و "طرح تعالی خانواده" و "طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها" و "طرح عفاف و حجاب" پیش بکشند و لشکر مزدور اسلام را برای کنترل زنان و دختران به خیابانها بکشانند. اینان طی این ۳۵ سال به همراه تمام جنایات دیگر، شقاوت و جنایات غیر قابل وصفی در حق زنان و دختران مرتکب شده اند. اما هرروز اعتراف میکنند که نتوانسته اند زنان را در زنجیر و قید و بندهای وحشیانه و عقب مانده اسلامی به بند بکشند. هر روز و هر لحظه در جایی از این مملکت زنانی پا به میدان میگذارند و قوانین و خط قرمزهای این حکومت را به سخره میگیرند. بی حجابی و "بدحجابی" در خیابانها، تجمعات و مهمانیها و جشنهای مختلط

هشت مارس روز جهانی زن را باید به روز اتحاد سراسری برای برکندن ریشه آپارتاید منحوس جنسیتی توسط حکومت اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری توحش اسلامی باید گورش را گم کند. این حکومت وصله ای ناجور و نجسب به تن بشریت است. ۳۵ سال است که جنگی آشکار و نهان در مقابل سیاستهای ضد زن ارتجاع از گوربرخاسته حاکم در ایران در جریان است. این پژواک جنبش رهایی زنان است که در داد و فغان هرروزه کار بدستان فسیل حاکم از بریاد رفتن اسلام و حجاب و "عفاف اسلامی" بازتاب می یابد. این پژواک مقاومت زنان و دختران است که حاکمین اسلامی و دولت "امید و اعتدالشان" را وامیدارد که هرروز طرحی تازه برای کنترل زنان و دختران و حتی کودکان

جشن روز جهانی زن در ونکوور

۸ مارس روز جهانی زن فرا میرسد. روزی که در همه جهان بر علیه تبعیض و نابرابری و خشونت و جنایت علیه زنان تظاهرات، اجتماعات و مراسم گوناگونی برپا میشود. به مناسبت ۸ مارس، در همبستگی با همه زنان و مبارزان رهایی زن در جهان، بویژه در همبستگی با جنبش رهایی زن در ایران و زنان و دختران قهرمانی که یک لحظه از مبارزه و مقاومت در برابر حجاب و آپارتاید جنسی و حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی دست بر نداشته اند، شما را به شرکت در جشن روز جهانی زن در ونکوور دعوت میکنیم.

زمان: ساعت ۷ تا پس از نیمه شب - شنبه ۸ مارس ۲۰۱۴

مکان: تروت لیک کامیونیتی سنتر ۳۳۵۰ ویکتوریا درایو

برنامه شامل: فیلم، سخنرانی، موزیک دی جی و رقص خواهد بود.

نوشیدنی و خوراکی در محل سرو خواهد شد.

ورودی ۵ و ۱۰ دلار

برای اطلاعات بیشتر و حمایت از این جشن با تلفن ۸۹۸۶-۷۲۷ (۶۰۴)

و ایمیل: vicc22@hotmail.com

تماس بگیرید.

علیه تبعیض (سازمان دفاع از حقوق زن در ایران)

اسپانسورها:

فدراسیون پناهندگان ایرانی (ونکوور) - دوستان زنان در خاورمیانه - حزب کمونیست کارگری

(غرب کانادا)

Radio Pazhvak-Vancouver

۸ مارس روز جهانی زن را جشن می گیریم!

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

آزادی زن معیار آزادی جامعه است!

مردم آزادیخواه گوتنبرگ!

در بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن مراسم با شکوهی را همراه با جشن و شادی در شهر گوتنبرگ برگزار می کنیم. از شما زنان و مردان آزادیخواه دعوت می کنیم در این جشن باشکوه در همبستگی با جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کنار ما باشید.

حزب کمونیست ایران - واحد گوتنبرگ

حزب کمونیست کارگری - واحد گوتنبرگ

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست - واحد گوتنبرگ

مکان: فولکتس هوس Backa ایستگاه Balladgatan

با اتوبوسهای ۱۹ و ۱۸

زمان: روز جمعه ۷ مارس ساعت ۱۹ تا ۲۴ با موزیک و رقص

ورود برای همگان رایگان است. غذا و نوشیدنی موجود است

برای اطلاعات بیشتر با تلفنهای زیر می توانید تماس بگیرید

اردشیر بیگی ۰۷۳۶۸۷۳۰۱۱۴

نازنین صدیقی ۰۷۰۴۹۱۴۰۷۲

پروین کابلی ۰۷۰۷۷۴۴۰۲۰

از صفحه ۹

روز جهانی زن را گرامی بداریم!

بحران حکومتی در اوکراین

بالاتر اشاره کردم شرایط بحران اقتصادی و بی ثباتی سیاسی بویژه اگر چپ در جامعه ضعیف باشد میتواند به عروج فاشیسم و راست افراطی منجر بشود و اوکراین در چنین شرایطی به سر میبرد ولی سناریوی قدرتگیری فاشیسم بعنوان یک توطئه و نقشه از پیشی غرب بیش از حد ذهنیگرایانه و بی پایه است. در این سناریو مردم اوکراین نه تنها در تحولات جاری بلکه در برابر فاشیستهایی که با توطئه غرب و از بالا بقدرت رسیده اند کاملاً ناتوان و بی تاثیر و نظاره گر حوادث تصویر میشوند. حال از این بگذریم که شکل گیری یک دولت فاشیستی در یک کشور اروپایی با عکس العمل شدید افکار عمومی و اعتراضات وسیع در سراسر اروپا روبرو خواهد شد و امری نیست که بسادگی و با توطئه از پیشی سیا و یا ناتوانی پذیر باشد و یا اصولاً حمایت و پذیرش چنین دولتی مطلوبیتی برای غرب و اروپای واحد داشته باشد.

و خشونت‌های حکومتی
۸- نفی هر گونه تبعیض اعم از جنسیتی، زبانی، صنفی، قومی، طبقاتی، دینی، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی و دفاع از برابری واقعی در کلیه عرصه های بالا از جمله رفع ممنوعیت آموزش عالی و معیشتی و کسب برای هموطنان بهایی
۹- دفاع از نظام آموزش مستقل از نهادهای مذهبی و پشتیبانی از جایگاه فرهنگیان و هنرمندان و دانشگاهیان مترقی و مستقل از دخالت‌های حکومتی با قصد توانمند سازی بنیانهای فکری و تربیتی و علمی کشور در همه سطوح و متناسب با پیشرفت این نیازمندیهای گوناگون کشور
۱۰- محاکمه و مجازات کلیه متجاوزین به حقوق اساسی ملت و غارتگران اموال عمومی و خائنین به منافع ملی توسط قضات مستقل در دادگاههای صالحه با رعایت آیین دادرسی مطابق اصول جهانی حقوق بشر
۱۲ اسفند ۱۳۹۲
۱- محمد جراحی
۲- آرش محمدی
۳- اسماعیل فتاح از زندان مرکزی تبریز
۴- شاهرخ زمانی
۵- عباس بادفر
۶- شهرام چینیان
۷- خالد خردانی
۸- محمد امیرخیزی
۹- ناصح یوسفی
۱۰- محمد سید زاده
۱۱- حشمت اله طبرزدی
۱۲- حمیدرضا برهانی
۱۳- صالح کهندل
۱۴- سعید ماسوری
۱۵- میثاق یزدان‌نژاد
۱۶- پیروز منصوروی از زندان گوهردشت
۱۷- بهنام ابراهیم زاده
۱۸- عبدالفتاح سلطانی از زندان اوین

خواهند ساخت، بنابراین روز جهانی زن فرصت تاریخی دیگری است که می توان با طرح مطالبات مشترک از جمله خواسته های زیر به متشکل شدن نیروهای مذکور مدد رسانید
۱- نه به پوشش اجباری و دفاع از برابری حقوق زن و مرد در کلیه عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی. در وضعیت کنونی با اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، اما به لحاظ فرهنگی، حقوقی، عقیدتی حاکمان به نحو مضاعف زیر ستم قرار گرفته و تجدید نظر اساسی در موارد فوق، الزامی است. امحاء کلیه قوانین تبعیض آمیز و تصویب قوانین متضمن تساوی حقوق زن و مرد در کلیه زمینه ها، از جمله حق طلاق، ارث، دیه، شهادت و حق حضانت فرزند از گامهای اولیه خواهد بود.
۲- نه به اعدام و نه به مجازاتهای اعدام و استفاده از مجازاتهای جایگزین
۳- آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان عقیدتی و سیاسی
۴- تأمین حقوق حداقل دستمزد برای کلیه مزدبگیران اعم از کارگران، فرهنگیان، کارکنان دولت و سایر بخشها با در نظر گرفتن خط فقر و درصد تورم
۵- انحلال مراجع غیرقانونی مثل دادگاه انقلاب و دادرهای ویژه روحانیت و اعاده صلاحیت عام دادگستری و کانون وکلای دادگستری و انحلال کامل قوه قضاییه و قضات دادگستری و منع بازداشت‌های خودسرانه
۶- تاکید بر کلیه آزادیهای اساسی اعم از آزادی بیان، عقیده، تحزب، اجتماعات و آزادی بیان و انتخاب و حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم در امور خود
۷- نفی هر گونه سانسور، تفتیش عقیده، شکنجه

جمعی از زندانیان زندانهای تبریز، گوهردشت و اوین تشدید بحرانهای اقتصادی سیاسی و تحولات جهانی و منطقه ای مرتبط با آن نشان گر تحولات قطعی و برگشت ناپذیر در کشور است، آمادگی لازم برای استقبال از این تحولات و هدایت آن در بستر دموکراسی خواهی و حقوق بشر و عدالت خواهی رسالت کلیه تشکل ها، جنبش های اجتماعی و شخصیت های دمکرات در مقطع زمانی کنونی است. بنابراین، ۸ مارس روز جهانی زن فرصت مناسبی است که تمامی نیروهای دموکراسی خواه و طرفدار اعلامیه حقوق بشر و جدایی دین از حکومت صرف نظر از اختلافات، و ضمن برسمیت شناخت همدیگر با هماهنگی برای اقدام حول مطالبات محوری و دمکراتیک جنبش خود را گسترش بدهند. بدیهی است این جنبش برای ایجاد بستر اجتماعی لازم با هدف توانمند سازی جامعه مدنی معطوف به تأمین خواست مشترکات اصلاحات اجتماعی است.

راه برون رفت از وضعیت موجود و حرکت به سمت مطالبات ملی با تماشگر بودن و انفعال سازگاری ندارد، اتحاد عملی همه نیروهای دمکرات ناظر بر مطالب ملی شرط اساسی برای تشکیل نیروهای پیشرو و دسته جمعی متشکل از همه کنشگران اجتماعی با آراء و عقاید گوناگون و خواسته های مشترک و دمکراتیک است، این نیروهای اجتماعی با تکیه بر سازمانهای مناسب سیاسی ومدنی در تشکلهای و جنبشهای گوناگون اجتماعی اعم از زنان، دانشجویان، کارگران، فرهنگیان، حقوقدانان، اقوام ایرانی و هنرمندان و روزنامه نگاران مسیر حرکت خود را هموار

متیتینگ، راهپیمای و مراسم و جشن گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن در اسلو

میتیتینگ روز جهانی زن امسال در اسلو ساعت ۱۵ (۳ بعد از ظهر) روز شنبه ۸ مارس در یونگس تورگت، مرکز شهر اسلو آغاز میشود و با سخنرانی و تظاهرات راهپیمایی تا ساعت ۱۷ ادامه مییابد. با شرکت فعال خود صدای برابری طلبی زنان را رساتر نمایید.

برای گرامیداشت روز زن همچنین مراسم و جشنی تدارک دیده شده است که همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و همه شما ایرانیان اسلو و حومه را به شرکت در این جشن دعوت میکنیم.

زمان: از ساعت ۱۸:۳۰ (۶/۵ بعد از ظهر)
مکان: سالن پشت فروست سنتر!

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری:

برابری زن و مرد، ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

تبعیض علیه زنان يك مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بی حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به يك رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان يك عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری

نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکنند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بغوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی، فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲ - تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت

برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳ - برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۴ - برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت

بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۵ - لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و

شخصیت او بعنوان يك شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۶ - تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.*

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

پاسخ کمیته بین المللی علیه سنگسار به مالک اشتر شریفی در مورد تکذیب خبر خودکشی سکینه آشتیانی

مالک اشتر شریفی دروغ میگوید. دروغ گفتن برایشان ساده ترین کار است!



نمونه بارز سبعیت و وحشیگری و زن ستیزی يك حکومت اسلامی است.

در آستانه هشت مارس روز جهانی زن کمیته بین المللی علیه سنگسار از همگان دعوت میکند علیه این سیاست زجر کش کردن سکینه از سوی حکومت اسلامی اعتراض کنند! کمیته بین المللی علیه سنگسار ۴ مارس ۲۰۱۴

Mina Ahadi
0049 (0)
1775692413
minnaahadi@gmail.com
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslim.de

کماکان گروگان گرفته و با نشان دادن خطر سنگسار بر روی سر او میخواد بگوید که کوتاه نمی آید.

اما مالک اشتر شریفی و خامنه ای و روحانی و همه این ارادل و اوباش اسلامی میدانند که پوزه اینها از طرف مردم مترقی دنیا به خاک مالیده شد، حکومت اسلامی جرات سنگسار کردن هیچکس را ندارد چرا که مردم دنیا با دقت این وقایع را نظاره میکنند.

ما از همه سازمانها و نهادهای علیه سنگسار از همه مدافعین سکینه محمدی آشتیانی دعوت میکنیم با اعتراض به حکومت اسلامی ایران، خواهان آزادی فوری سکینه محمدی آشتیانی شوند. رفتار حکومت اسلامی با سکینه

را نگاه کنید، زنی که سالهای سال است بدلیل هیچ جرمی در زندان است، زنی که زندگیش را نابود کرده و فرزندان او را شکنجه روحی و جسمی داده اند، اکنون بعد از خودکشی باید این خبر را از سوی يك آخوند حکومتی جنایت پیشه به اسم مالک اشتر شریفی بشنود که "زمان اجرای حکم هنوز معلوم نیست" کدام حکم؟

جمهوری اسلامی ایران برای زهر چشم گرفتن از مردم دنیا که به حکم سنگسار سکینه در ابعادی میلیاردی پاسخ دادند، پرونده را معلق اعلام کرده و سالهای سال است که فرزندان سکینه را سر می دواند. در تبریز میگویند پرونده در تهران است و در تهران میگویند نمیدانیم پرونده کجاست.

این سیستم قضایی حکومت اسلامی ایران است. در این سیستم همه تصمیمات سیاسی اکنون حکومت اسلامی يك زن را، سکینه محمدی آشتیانی را که حداقل دو سوم مردم دنیا اسم او را شنیده و عکسش را دیده اند، زنی را که به يك سمبل و نماد علیه سنگسار تبدیل شده است،

مرگ حتمی نجات داده و سپس به بهداری زندان منتقل میکنند.

بله سکینه اکنون در بهداری زندان تبریز است. اینرا ما در اطلاعیه ای که خبر خودکشی سکینه را اعلام کردیم گفته بودیم. سکینه اکنون در بدترین شرایط روحی و جسمی است و همین مالک اشتر شریفی یکی از مهره های مهم در کشاندن سکینه و خانواده او به این اوضاع است. سرنوشت سکینه، نمونه بارز سبعیت و جنایتکاری يك حکومت فاشیست اسلامی است. اما سکینه به سمبل و نهاد مبارزه علیه سنگسار تبدیل شده و بهمین دلیل زندگیش و همه اتفاقات در مورد سکینه فوراً به يك خبر مهم رسانه ای تبدیل میشود.

رییس کل دادگستری استان آذربایجان شرقی در ادامه گفتگوش بیان کرده که زمان اجرای حکم وی مشخص نشده است. این يك ژست جدید از سوی جانیان است که اعلام کنند، هنوز خطر سنگسار بر روی سکینه است فقط زمان اجرای حکم معلوم نیست. سبعیت و وحشیگری يك رژیم

رییس کل دادگستری آذربایجان شرقی خبر خودکشی سکینه محمدی آشتیانی در زندان تبریز را تکذیب کرد. مالک اشتر شریفی در گفتگو با ایسنا، دوازدهم اسفند ۱۳۹۲ برابر با ۳ ماه مارس ۲۰۱۴ درباره خبر منتشره در فضای مجازی مبنی بر خودکشی سکینه آشتیانی در زندان، اظهار کرد: این موضوع صحت ندارد. وی ادامه داد: سکینه آشتیانی در حال حاضر در زندان تبریز بسر می برد.

خبر خودکشی سکینه محمدی آشتیانی اولین بار در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۱۴ کمیته بین المللی علیه سنگسار منتشر کرد. این خبر از زندان تبریز به ما رسیده بود و جزئیات خودکشی سکینه را نیز به ما اطلاع دادند.

سکینه محمدی آشتیانی دومین بار در زندان تبریز برای نجات از دست جلادان ضد زن اسلامی خودکشی کرد. او سوزنهای خیاطی که در کارگاه زندان، جمع کرده بود، ریز ریز کرده و يك مشت از این سوزنها را قورت داده بود. سکینه به بیمارستان منتقل میشود و بعد از هشت بار عمل جراحی او را از

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مضمند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود